

تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه

Effect of Political Stability and Economic Freedom on the Economic Growth in Selected Developed and Developing Countries

Abolfazl Shahabadi *, Zohre Bahari **

ابوالفضل شاه‌آبادی *، زهره بهاری **

Received: 23/Dec/2013 Accepted: 1/March/2014

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۰

Abstract:

چکیده:

One of the most important macro-economic objectives of the countries is to create the necessary conditions for promoting economic growth. Among them, we can point to political stability and economic freedom. Political instability leads to wasting physical and human resources and social capital, which will be considered as an economic rollback. Also, the rate of economic growth is associated with economic freedom index in every country. Economic freedom can lead to investment encouragement, promotion of skills, transfer of technology and efficient use of the investments through creation of relations of the market economy, private sector development, foreign trade development, remove unnecessary governmental regulations and provide the field for the development of productive activities. So, this study surveys the effects of political stability and economic freedom on economic growth in selected countries during the period 1996-2012. For this purpose, the effect of political stability and economic freedom indicators on economic growth has been tested by using GMM method for dynamic panel data models. The results indicate positive effects and statistically significance of political stability and economic freedom on economic growth in both groups of countries.

یکی از مهم‌ترین اهداف کلان اقتصادی کشورها، ایجاد شرایط لازم جهت ارتقاء رشد اقتصادی مستمر و باثبات است. از جمله عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی می‌توان به ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی اشاره کرد. زیرا بی‌ثباتی سیاسی منجر به تخصیص غیربهبینه منابع فیزیکی، انسانی و سرمایه‌های اجتماعی می‌گردد، که خود به منزله‌ی عقب‌گرد اقتصادی محسوب می‌شود. همچنین میزان رشد اقتصادی در هر کشوری با شاخص آزادی اقتصادی ارتباط دارد. آزادی اقتصادی از طریق ایجاد مناسبات اقتصاد بازار، توسعه بخش خصوصی، توسعه تجارت خارجی، حذف مقررات زائد دولتی و امنیت حقوق مالکیت می‌تواند سبب ترغیب سرمایه‌گذاری، ارتقاء سطح مهارت‌ها، انتقال فناوری و استفاده کارآمد از این سرمایه‌گذاری‌ها شده و از این راه زمینه را برای توسعه فعالیت‌های مولد فراهم می‌کند. لذا هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶ است. برای این منظور، با استفاده از روش GMM برای داده‌های پانل پویا، اثر متغیر ثبات سیاسی و شاخص‌های آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج مطالعه حاکی از اثر مثبت و به لحاظ آماری معنادار هر دو متغیر شاخص ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه است.

Keywords: Political Stability, Economic Freedom, Economic Growth, Panel Data.

JEL: P16, F41, F43.

کلمات کلیدی: ثبات سیاسی، آزادی اقتصادی، رشد اقتصادی، داده‌های پانل.

طبقه‌بندی JEL: P16, F41, F43.

* Associate Professor, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran (Corresponding Author).

** M.A. in Economics, Azad Islamic University, Arak Branch, Iran.

* دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان (نویسنده مسئول)

Email: shahabadia@gmail.com

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

Email: zohre_bahari@yahoo.com



۱- مقدمه

با توجه به اهمیت درآمد سرانه در افزایش رفاه اقتصادی جوامع از یک سو و شکاف قابل توجه مابین درآمد سرانه کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته از سوی دیگر، شاهد حساسیت و توجه سیاست‌گذاران کلان اقتصادی کشورهای در حال توسعه جهت ایجاد بستر مناسب به منظور تحقق رشد اقتصادی مستمر و باثبات می‌باشیم. اما با بررسی عملکرد کشورهای در حال توسعه در می‌یابیم بیشتر این کشورها از منابع و ثروت‌های طبیعی کافی برخوردارند، اما از لحاظ سیاسی باثبات نمی‌باشند. زیرا بسیاری از کشورهای در حال توسعه در دوران پس از استعمار و به دنبال کسب آزادی و استقلال سیاسی، در کار تأسیس و استقرار دولت‌های باثبات ملی ناکام مانده‌اند، در حالی که یکی از پیش‌شرط‌های اساسی بازسازی اقتصادی و توسعه، داشتن ثبات سیاسی است. به بیان دیگر مشکل نظام سیاسی و اجرایی کشورهای در حال توسعه، در نبود یا کمبود منابع مادی مورد نیاز برای توسعه اقتصادی نیست، بلکه این وضعیت تا حدودی ناشی از پراکندگی و گسیختگی اجتماعی و سیاسی خواسته‌های مردم این جوامع است. در شرایطی که زمینه هویت مشترک وجود نداشته باشد و ارزش‌های اجتماعی یا فرهنگی مشترکی به دست نیامده باشد، هیچ نوع حکومتی امکان بقا ندارد و بی‌ثباتی سیاسی به طور قطع بر جامعه حاکم خواهد شد. تردیدی نیست در شرایط بی‌ثباتی سیاسی، انجام برنامه‌های توسعه با شکست و ناکامی روبرو خواهد شد. بنابراین رشد اقتصادی و ساختار سیاسی دارای رابطه‌ای تنگاتنگ و متقابل است. زیرا بی‌ثباتی سیاسی و افزایش ریسک موجب کاهش ارزش مورد انتظار بازده سرمایه و تضعیف انگیزه پس‌انداز و تقویت مصرف‌گرایی و کاهش سطح سرمایه‌گذاری می‌گردد (کاتبی، ۱۳۷۶: ۷۹-۱۰۰). علاوه بر ثبات سیاسی، آزادی اقتصادی و نگاه جامعه و حاکمان به آن از اصول تعیین کننده و بسیار مهم در رشد اقتصادی است. به طوری که یکی از اولین اصولی که آدام اسمیت بر آن تأکید کرده و آن را جزء نقش‌آفرین‌ترین اجزای رشد اقتصادی دانسته، آزادی

اقتصادی است (سامتی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۰). ملاحظات نظری و تجربه جهانی دال بر آن است که توسعه اقتصادی مستلزم آزادی اقتصادی است. اصطلاح آزادی به عنوان نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب یا عمل تعریف می‌شود. همچنین آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی که از طریق قانونی به دست آورده‌اند، است (همان، ۶۱). به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، از آنجایی که آزادی به عنوان «نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب عمل» است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات است، از این رو می‌توان آزادی اقتصادی را به صورت «نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات» تعبیر کرد (جانسون و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۲۱).

با این تفاسیر امروزه اهمیت ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر عملکرد اقتصادی تقریباً پذیرفته شده است اما آنچه که مهم به نظر می‌رسد وارد کردن متغیرها به تحلیل‌های اقتصادی و شناخت چگونگی اثرگذاری آن‌ها است. لذا در این پژوهش به این موضوع پرداخته می‌شود که ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی چه تأثیری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه دارد. با پاسخگویی به سؤال فوق‌الذکر می‌توان توصیه سیاستی مناسبی را برای سیاست‌گذاران اقتصادی در راستای تحقق رشد اقتصادی مستمر و باثبات ارائه نمود. برای این منظور دو دسته از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۲ با بهره‌گیری از روش پانل دیتا مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این رو پس از آشنایی با اهمیت موضوع در این قسمت، در بخش دوم مبانی نظری و در بخش سوم پیشینه پژوهش ارائه می‌شود و سپس بخش چهارم به ارائه مدل پرداخته و در بخش پنجم اقدام به تجزیه و تحلیل نتایج نموده و در نهایت جمع‌بندی و نکات سیاستی بیان می‌گردد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- الگوهای رشد نئوکلاسیک و درون‌زا

در دهه ۱۹۵۰، سولو^۱ الگویی را توسعه داد که به صورت ابزار استاندارد مطالعات مربوط به رشد اقتصادی درآمده است. در این الگو، نرخ رشد اقتصادی به سرعت افزایش نهدادهای عوامل تولید (کار و سرمایه فیزیکی) بستگی دارد. در مقابل، الگوهای رشد درون‌زا که از سوی رومر^۲ (۱۹۸۶) و لوکاس^۳ (۱۹۸۸) مطرح شدند، نرخ رشد اقتصادی را تابع عوامل درون‌زا دانسته‌اند. گرچه بر اساس نظریه‌های رشد درون‌زا، پیشرفت فناوری را درون‌زا دانسته اما الگوهای رشد درون‌زا همچنان قادر به تبیین کامل تفاوت درآمد سرانه کشورها نیست؛ لذا تا اواخر دهه نود الگوهای رشد فقط به بررسی تأثیر عوامل اقتصادی مانند: سرمایه انسانی و فیزیکی، بهره‌وری، جمعیت، شرایط جغرافیایی و غیره بر رشد اقتصادی می‌پرداختند، که این امر به ظهور ادبیات اقتصاد سیاسی جدید رشد اقتصادی انجامید که از ادغام نظریه جدید «رشد درون‌زا» و «اقتصاد سیاسی کلان» نوین توسعه یافته است. از جمله این نظریه‌ها، اقتصاد نهادگرایی جدید^۴ است که عامل نهادی^۵ را وارد تحلیل‌های اقتصادی رشد کردند و عامل‌هایی مانند نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های عمومی، فرهنگ، مذهب و غیره را که در الگوهای پیشین رشد اقتصادی مفروض گرفته می‌شدند، از عوامل مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی کردند، چراکه نهادها را شکل‌دهنده محیط اقتصادی در کشورها می‌دانستند و عامل اصلی عقب‌ماندگی برخی کشورها را نه کمبود سرمایه بلکه نبود بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی مولد بیان می‌کردند (مبارک و آذربون، ۱۳۸۸: ۱۸۲-۱۸۱).

۲-۲- ثبات سیاسی

بی‌ثباتی سیاسی بیانگر مفهوم‌هایی مانند ناآرامی‌های

اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا است. در مورد چگونگی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی، گوپتا و همکاران^۶ در سال ۱۹۹۸ مدلی را ارائه دادند که در آن انواع سناریوهای تأثیر و کنش افکار عمومی در مقابل تقاضا برای تغییرات سیاسی را نشان می‌دهد. بر اساس این مدل که در شکل (۱) نشان داده شده است، در حالت کلی می‌توان ادعا کرد نقطه آغاز بی‌ثباتی سیاسی، تقاضا برای تغییرات سیاسی است. این تقاضا از دو جنبه قابل بررسی است. از منظر اول نیاز به تغییرات؛ از ساختار داخلی حاکمیت سیاسی شروع می‌شود که ناشی از عوامل متعددی همچون به وجود آمدن اختلاف و کشمکش میان سیاست‌گذاران است. از منظر دوم احساس نیاز به اعمال تغییرات از خارج سیستم به ساختار سیاسی تحمیل می‌شود. غالباً منشأ این تقاضا می‌تواند افزایش سطح آگاهی مردم، نارضایتی از نظام سیاسی، فشار گروه‌های اپوزوسیون و... باشد. حکومت نیز از طریق مشروعیت سیاسی^۷ یا تهدید و سرکوب به ثبات سیاسی دست می‌یابد. سرایت این تشنج و ناآرامی به فضای اجتماعی، تمرکز لازم برای مدیریت اقتصادی را از بین می‌برد و چه بسا نوع کنش و تقابل اعتراضی فضای اجتماعی همچون اعتصابات، اقتصاد را با بحران‌ها و چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. به هر حال آنچه که مسلم است، بی‌ثباتی سیاسی فارغ از نوع و شدت خود همواره انرژی و پتانسیل‌هایی را که باید در مسیر رشد اقتصادی به کار گرفته شوند از بین می‌برد و روند طبیعی سیستم اقتصادی را در اثر سوء مدیریت که ناشی از منازعات درون حزبی و برون حزبی است؛ منحرف می‌سازد و سرعت رشد اقتصادی را کند می‌کند. بی‌ثباتی سیاسی از راه از بین بردن امکان سرمایه‌گذاری باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود، به طوری که در کشورهایی که احتمال کودتا، شورش‌های خیابانی، ترور و اشکال دیگر تغییر غیر مسالمت‌آمیز قدرت وجود دارد، انگیزه برای سرمایه‌گذاری

6. Gupta et al. (1998)

7. Political legitimacy

1. Solow

2. Romer (1986)

3. Lucas (1988)

4. New Institutional Economics

5. Institutional Factor



کانال‌های زیر دارد:

۱. وجود امنیت حقوق مالکیت و همچنین پایین بودن مالیات‌ها سبب می‌شود افراد به کارهایی اقدام کنند که کارا تر است؛ از این‌رو، افزایش کارایی، خود به رشد اقتصادی بیشتر منجر خواهد شد.
۲. آزادی بیشتر در مبادلات موجب توسعه فنون و افزایش تخصصی شدن و بازده اقتصادی می‌گردد؛ از این‌رو، توسعه فنون و بازده اقتصادی به افزایش رشد اقتصادی منجر خواهد شد.
۳. آزادی ورود و رقابت در بازارها به افزایش کارایی و سود بیشتر منجر می‌شود و منابع به سوی فعالیت‌هایی که بیشترین عملکرد را دارند، هدایت می‌گردد.
۴. هنگامی که آزادی اقتصادی وجود دارد، تشکیلات تجاری و نیز اقتصاد، به کشف‌های جدید در مدیریت اقتصادی و بهبود فناوری و شیوه‌های بهتر تولید تشویق می‌شود؛ لذا فرصت‌هایی که مورد چشم‌پوشی قرار می‌گرفتند به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می‌شوند (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۳).

در نمودار (۱)، متوسط رشد اقتصادی و شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه‌ی فریزر برای ۱۲۰ کشور به تفکیک درجات اقتصادی (آزادی اقتصادی پایین برای کشورهای با درجه‌ی کمتر از دو، پایین‌تر از متوسط برای کشورهای با درجه‌ی بین دو تا چهار، متوسط برای کشورهای با درجه‌ی چهار تا شش، بالاتر از متوسط برای کشورهای با درجه‌ی شش تا هشت و بالا برای درجه‌ی آزادی اقتصادی هشت تا ده) رسم شده است.

همچنین در نمودار (۲)، ارتباط شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه‌ی فریزر با متوسط درآمد سرانه (بر اساس برابری قدرت خرید) ۱۲۰ کشور نشان داده شده است. آمار و ارقام نمودار نشان می‌دهد با افزایش درجه‌ی آزادی اقتصادی درآمد سرانه کشورها افزایش می‌یابد.

پایین بوده و سرمایه‌گذارها در چنین وضعیتی بر انتقال سرمایه خود به جاهای امن می‌کوشند و نرخ جانشینی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و احتمالاً با بهره‌وری بالا به وسیله طرح‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و با بهره‌وری پایین افزایش می‌یابد. افزون بر این، ناکارآمدی تولیدی پدیدآمده به واسطه بی‌ثباتی سیاسی، تولید نهایی را کاهش خواهد داد (میدری، ۱۳۷۴: ۱۷۷-۱۶۳).

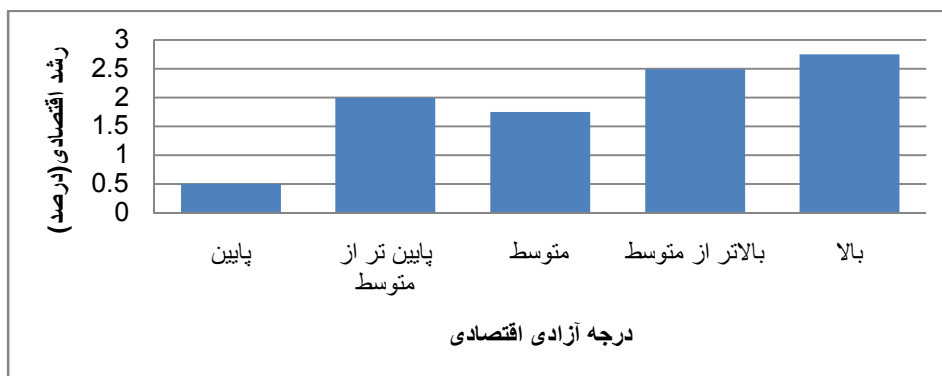
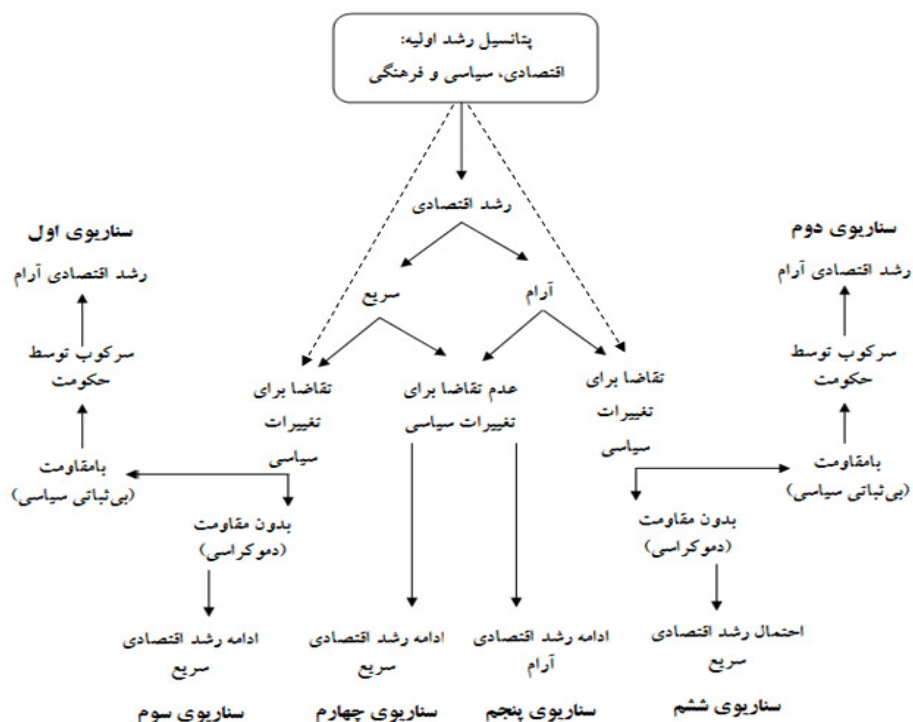
همچنین بی‌ثباتی سیاسی از کانال بازار نیروی کار می‌تواند بر رشد اقتصادی اثرگذار باشد و مطابق پیش‌بینی این اثر منفی است؛ در مجموع می‌توان بیان داشت تمام شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی از راه کانال کاهش تولید نهایی عوامل تولید، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (فوسو^۱، ۲۰۰۱: ۲۹۱).

۲-۳- آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی یکی از اصول مهم در ارزیابی توسعه‌یافتگی اقتصاد کشورهاست. مؤسسه فریزر^۲ درجه آزادی اقتصادی کشورها را بر اساس پنج شاخص ۱. حجم و اندازه دولت (مصرف دولت به عنوان درصد GDP، حجم پارانه‌ها، سرمایه‌گذاری دولت، نرخ‌های مالیات بر درآمد و حقوق)، ۲. ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت (استقلال دستگاه قضایی، حمایت از مالکیت معنوی، یکپارچگی دستگاه قضایی)، ۳. دسترسی به نقدینگی سالم (رشد نقدینگی، آزادی مالکیت ارزهای خارجی، نرخ تورم فعلی، تغییر تورم در پنج سال اخیر)، ۴. آزادی تجارت خارجی (مالیات و تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری قانونی، تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار سیاه، کنترل بازار سرمایه، حجم بخش تجارت) و ۵. قوانین مالی، بازار کار و تجارت (میزان مشارکت بانک‌های خصوصی و خارجی، محدودیت نرخ سود بانکی، سهم سپرده‌ها در بانک‌های خصوصی، محدودیت در قوانین دستمزد و اخراج نیرو، سهم اشتغال‌زایی دولت) تعیین می‌کند. آزادی اقتصادی تأثیرات قابل توجهی بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه کشورها از

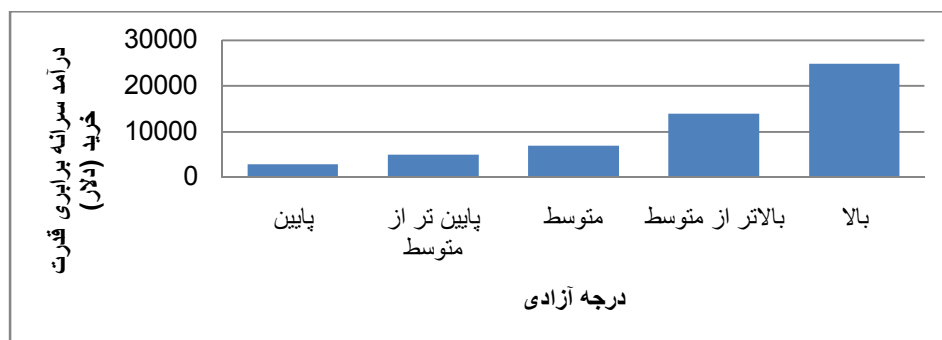
1. Fosu (2001)

2. Fraser Institute



نمودار (۱): رابطه متوسط رشد اقتصادی و شاخص آزادی اقتصادی

مأخذ: آمارهای بانک جهانی و مؤسسه فریزر



نمودار (۲): رابطه متوسط درآمد سرانه با شاخص آزادی اقتصادی

مأخذ: آمارهای بانک جهانی و مؤسسه فریزر



۳- پیشینه تحقیق

تا همین اواخر فرض می‌شد تصدیق و تأیید فرضیه‌هایی که بیان می‌دارند نهادها بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد، به لحاظ اقتصادسنجی غیرممکن است. زیرا نهادها نمی‌توانند احساس و لمس شوند و یا حتی اندازه‌گیری شوند (نورث^۱، ۱۹۹۰: ۳۵۷). از آنجا که نهادها از لحاظ نظری و سیاست‌گذاری به طور فزاینده‌ای به عنوان عامل تعیین‌کننده نرخ رشد GDP شناخته شده است و همچنین بدلیل افزایش اطلاعات در دسترس برای بسیاری از مؤلفه‌های نهادی، شاهد افزایش مطالعات در خصوص نقش نهادها بر رشد اقتصادی می‌باشیم. همچنین باید بیان داشت تحقیقی که به بررسی همزمان تأثیر شاخص‌های آزادی اقتصادی و ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی کشورهای جهان پردازد؛ اندک است، لذا در ادامه به بررسی برخی از مهم‌ترین تحقیقات داخلی و خارجی پیرامون تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی می‌پردازیم:

آیسن و ویگا^۲ به بررسی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ۱۶۹ کشور طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۶۰ پرداختند. نتایج مطالعه بیانگر این است که درجه بالای بی‌ثباتی سیاسی با کاهش رشد اقتصادی توأم است. آن‌ها معتقدند بی‌ثباتی سیاسی از طریق کاهش بهره‌وری سبب کند شدن نرخ رشد اقتصادی می‌گردد و با درجه کمتر بر سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین بیان می‌دارند شاخص آزادی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، نرخ ثبت‌نام ابتدایی، ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت و همگنی نژادی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با رشد اقتصادی دارند (آیسن و ویگا، ۲۰۱۱: ۲۸-۱).

قریشی و همکاران^۳ به بررسی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر توسعه اقتصادی پاکستان طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۷۱ پرداخته و بر اساس نتایج مطالعه بیان می‌دارند بی‌ثباتی سیاسی مانعی برای توسعه اقتصادی محسوب می‌گردد (قریشی و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۹۲-۱۷۹).

جونگ-ا-پین^۴ با استفاده از روش تحلیل عاملی به بررسی آثار مختلف بی‌ثباتی سیاسی (انگیزه‌های سیاسی خشونت، اعتراضات مدنی، بی‌ثباتی در درون نظام سیاسی و بی‌ثباتی نظام سیاسی) بر رشد اقتصادی ۹۸ کشور طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۸۴ پرداخته است. بر اساس نتایج مطالعه گرچه ابعاد مختلف شاخص‌های سیاسی اثر متفاوتی بر رشد اقتصادی دارد، اما در مجموع بی‌ثباتی نظام سیاسی اثر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد (جونگ-ا-پین، ۲۰۰۶: ۲۹-۱۵).

کافمن و همکاران^۵، در یک تحلیل تجربی به بررسی اثر کیفیت حاکمیتی دولت (آزادی بیان، بی‌ثباتی سیاسی و آشوب، اثربخشی دولت، کیفیت نظم‌دهی، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر رشد اقتصادی ۲۰۹ کشور در سال‌های ۱۹۹۶، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ می‌پردازند. بر اساس نتایج بیان می‌دارند شش بعد حاکمیتی تأثیر متفاوتی بر عملکرد کشورهای مورد مطالعه دارد لذا بیان می‌کنند به رغم اینکه روند خاصی از بهبود یا تضعیف کیفیت حاکمیت در جهان ملاحظه نمی‌شود، کیفیت حاکمیت در برخی کشورها به طور معناداری (هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی) در حال تغییرند (کافمن و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۳۳-۱).

کارلسون و لاندستروم^۶ به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ۷۴ کشور طی دوره ۱۹۹۵-۱۹۷۵ پرداختند. نتایج بیانگر تأثیر مثبت ساختار بازار، ساختار قانونی و حفاظت از حقوق مالکیت و آزادی مبادله در بازار سرمایه بر رشد اقتصادی و تأثیر منفی اندازه‌ی دولت و آزادی تجارت بر رشد اقتصادی است (کارلسون و لاندستروم، ۲۰۰۲: ۳۴۴-۳۳۵).

اسکالی^۷ به بررسی تأثیر سه ویژگی آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و تسلط حقوق فردی بر رشد اقتصادی ۱۱۵ کشور طی دوره ۱۹۸۰-۱۹۶۰ پرداخته و بیان می‌دارد کشورهایی که دارای یکی از سه ویژگی آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و تسلط حقوق فردی یا هر سه مورد هستند، از رشد اقتصادی دو تا سه برابر کشورهایی که هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها را ندارند، برخوردارند (اسکالی، ۲۰۰۲: ۹۶-۷۷).

4. Jong- A- Pin (2006)
5. Kaufmann et al. (2005)
6. Carlsson & Lundstrom (2002)
7. Scully (2002)

1. North (1990)
2. Aisen & Veiga (2011)
3. Qureshi et al. (2010)

اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (جعفری‌صمیمی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۷-۵۵).

نادری و شربت‌اوغلی به بررسی نظری و تجربی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب جهان طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۹ پرداخته و بیان می‌دارند کشورهایی که شرایط رقابت‌پذیری اقتصادی برای آن‌ها مناسب‌تر بوده است، به طور معناداری رشد اقتصادی بالاتری را تجربه کرده‌اند (نادری و شربت‌اوغلی، ۱۳۸۶: ۲۹-۱).

شهنازی (۱۳۸۴) به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر کیفیت نهادی سرانه و اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۸۰ در ۸۷ کشور با استفاده از ادبیات اقتصاد نئوکلاسیک پرداخته است. نتیجه بیانگر اثر مثبت آزادی اقتصادی بر سطح درآمد سرانه کل نمونه و به تفکیک کشورهای کم درآمد، درآمد متوسط و پردرآمد است.

جعفری‌صمیمی و آذرمنند به بررسی ارتباط‌های اقتصادی، سیاسی و حقوقی تعیین‌کننده انگیزه‌ها و محدودیت‌های فعالیت‌های اقتصادی در ۸ کشور مختلف جهان طی دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۸۰ پرداخته و بر اساس نتایج بیان می‌دارند آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد (جعفری‌صمیمی و آذرمنند، ۱۳۸۴: ۶۱-۴۱).

میدری به بررسی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی بر رشد اقتصادی ۶۰ کشور طی دوره ۱۹۸۲-۱۹۴۸ پرداخته و بر اساس نتایج مطالعه بیان می‌دارد بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه دارد (میدری، ۱۳۷۴: ۱۷۷-۱۶۳).

۴- داده‌ها، مدل و متغیرها

۴-۱- داده‌ها

تحقیق حاضر یک تحقیق تحلیلی-توصیفی است و با استفاده از روش پانل دیتا به دنبال بررسی تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ۱۶ کشور منتخب توسعه‌یافته^۴ و ۱۴

آستریو و پرایس^۱ به آثار نااطمینانی سیاسی بر رشد اقتصادی انگلستان طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۶۱ پرداخته و بر اساس نتایج بیان می‌دارند رابطه قوی و منفی میان بی‌ثباتی سیاسی با رشد اقتصادی وجود دارد (آستریو و پرایس، ۲۰۰۱: ۲۴۹-۲۴۴).

گیمه و تراینر^۲ رابطه معکوس و معناداری میان بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی کشورهای آفریقایی به دست آوردند. همچنین بر اساس سیستم معادلات همزمان بیان می‌دارند بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی درون‌زا هستند و علاوه بر اثر مستقیم، بی‌ثباتی سیاسی به صورت غیرمستقیم نیز از طریق کاهش تشکیل سرمایه بلندمدت بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد (گیمه و تراینر، ۱۹۹۹: ۸۶-۵۲).

بارو^۳ با استفاده از دو شاخص (تعداد انقلاب‌ها و کودتاها در سال و تعداد قتل‌های سیاسی در هر سال به ازای هر یک میلیون نفر) به بررسی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی ۹۸ کشور طی دوره ۱۹۸۵-۱۹۶۰ می‌پردازد. وی بر اساس نتایج مطالعه بیان می‌دارد هر دو متغیر (تعداد انقلاب‌ها و کودتاها)، تأثیر منفی چشم‌گیری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه دارد (بارو، ۱۹۹۶: ۲۷-۱).

رزمی و همکاران با رویکرد مکتب نهادگرا و روش‌شناسی لاکتوسی به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ۵۷ کشور طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ پرداخته‌اند. در این مطالعه کشورها به سه دسته کشورهای با کیفیت نهادی بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی شده‌اند. نتیجه نشان‌دهنده رابطه مثبت آزادی اقتصادی با رشد اقتصادی است (رزمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۲۸).

جعفری‌صمیمی و همکاران به بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۶ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه بیان می‌دارد رابطه مثبت و معنی‌داری بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا وجود دارد. همچنین بین کارایی دولت و رشد

۴. استرالیا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، انگلستان، ایالات متحده و کانادا.

1. Asteriou & Price (2001)
2. Gyimah-Brempong & Traynor (1999)
3. Barro (1996)



سیاسی بر رشد اقتصادی است بنابراین در این مطالعه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته که از لحاظ ثبات سیاسی دارای همگنی بیشتری با یکدیگر می‌باشند از بین سایر کشورهای هم‌گروه خود انتخاب شده‌اند. اعداد داخل پرانتز نشان دهنده رتبه کشورها در شاخص ثبات سیاسی در میان هر دسته از کشورهای مورد مطالعه است.

همچنین برای ۵ شاخص آزادی اقتصادی در این پژوهش از داده‌های آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر استفاده شده است. دامنه‌ی تغییرات هر یک از این شاخص‌ها بین صفر تا ۱۰ بوده که مقدار کمتر نشان‌دهنده‌ی آزادی اقتصادی کمتر و مقدار بیشتر نشان‌دهنده‌ی آزادی اقتصادی بیشتر است. در جدول (۲) توضیح داده‌های آماری شامل: نام متغیر مورد بررسی، منابع آماری و علامت مورد انتظار هر متغیر ذکر شده است.

جدول (۲): توضیح داده‌های آماری

نام متغیر	تعریف متغیر	منابع آماری	علامت مورد انتظار
Growth of GDP (GGDP)	رشد تولید ناخالص داخلی سرانه	WDI	متغیر وابسته
Investment (% of GDP) (I)	نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی	PWT	+
Secondary School Enrollment (SSE)	نرخ ثبت‌نام دبیرستانی	WDI	+
Population Growth (POP)	رشد جمعیت	WDI	-/+
Trade of Goods & Services (% of GDP) (T)	نسبت تجارت کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی	PWT	+
Political Stability (PS)	ثبات سیاسی و فقدان خشونت	WGI	+
Economic Freedom (EF)	آزادی اقتصادی	Fraser Institute	+
Size of Government (SG)	اندازه دولت	Fraser Institute	-/+
Legal Structure & Property Rights (LS)	ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت	Fraser Institute	+
Sound Money (SM)	دسترسی به پول سالم	Fraser Institute	+
Freedom to Trade Internationally (FT)	آزادی تجارت خارجی	Fraser Institute	+
Regulation (REG)	قوانین بازار مالی و اعتبارات، بازار کار و تجارت	Fraser Institute	+

مأخذ: یافته‌های تحقیق

کشور منتخب در حال توسعه^۱ طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶ است. کشورهای مورد مطالعه بر اساس میانگین شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت «کافمن»^۲ منتشر شده از سوی بانک جهانی^۳ (۲۰۱۲) از بین سایر کشورهای جهان انتخاب شده‌اند. امتیاز کشورها در این شاخص بین ۲.۵ تا -۲.۵ قرار دارد که مقدار بالاتر شاخص به معنای بالاتر بودن ثبات سیاسی برای آن کشور است. نتایج حاصل از این گزینش در جدول (۱) نمایش داده شده است.

جدول (۱): متوسط شاخص ثبات سیاسی طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶

کشورهای توسعه یافته	متوسط ثبات سیاسی	کشورهای در حال توسعه	متوسط ثبات سیاسی
استرالیا	۱/۰۴ (۷)	بحرین	۰/۱۷ (۴)
دانمارک	۱/۱۸ (۴)	بنگلادش	۰/۳۳ (۱۲)
فنلاند	۱/۰۴ (۱)	برزیل	۰/۱۱ (۳)
فرانسه	۰/۰۷ (۱۰)	مصر	۰/۶۴ (۷)
آلمان	۱/۰۲ (۸)	هند	۰/۸۷ (۱۰)
ایتالیا	۰/۷۲ (۹)	اندونزی	۰/۳۵ (۱۳)
ژاپن	۱/۰۲ (۸)	ایران	۰/۸۶ (۹)
هلند	۱/۱۶ (۵)	مالزی	۰/۲۵ (۱)
نروژ	۱/۲۶ (۳)	پاکستان	۰/۷۴ (۱۴)
پرتغال	۱/۰۴ (۷)	آفریقای جنوبی	۰/۳ (۵)
اسپانیا	۰/۳۱ (۱۳)	سوریه	۰/۵۵ (۶)
سوئد	۱/۲۶ (۳)	تونس	۰/۱۹ (۲)
سوئیس	۱/۲۷ (۲)	ترکیه	۰/۹۵ (۱۱)
انگلستان	۰/۶۷ (۱۱)	روسیه	۰/۷۵ (۸)
امریکا	۰/۵۸ (۱۲)	-	-
کانادا	۱/۰۶ (۶)	-	-
میانگین کشورهای توسعه یافته	۰/۹۸	میانگین کشورهای در حال توسعه	۰/۶۴

* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشور در گروه مورد مطالعه است.

مأخذ: (بانک جهانی، شاخص کافمن ۲۰۱۲)

Source: www.Govindicators.org

مطابق با جدول (۱)، کشورهای توسعه‌یافته از ثبات سیاسی بالاتری نسبت به کشورهای در حال توسعه برخوردارند و با توجه به اینکه هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر ثبات

۱. بحرین، بنگلادش، برزیل، مصر، هند، اندونزی، ایران، مالزی، پاکستان، آفریقای جنوبی، سوریه، تونس، ترکیه و روسیه.

2. Kaufmann

3. World Bank (2012)

۴-۲- تشریح مدل و متغیرها

الگویی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است، معادله پانل پویا برای کشور i در زمان t است که توسط آیسن و ویگا در سال ۲۰۱۱ پیشنهاد شده است که به صورت معادله (۱) معرفی می‌گردد:

$$(1)$$

$$\ln Y_{it} = \alpha \ln Y_{i,t-1} + \beta_1 I_{it} + \beta_2 SSE_{it} + \beta_3 POP_{it} + \beta_4 T_{it} + \delta PS_{it} + \lambda EF_{it} + v_i + \mu_t + \varepsilon_{it}$$

$$i = 1, \dots, 14 \text{ or } 16 ; t = 1, \dots, 15$$

پس از تفاضل‌گیری مرتبه اول از معادله خواهیم داشت:

$$(2)$$

$$\Delta \ln Y_{it} = \alpha \Delta \ln Y_{i,t-1} + \beta_1 \Delta I_{it} + \beta_2 \Delta SSE_{it} + \beta_3 \Delta POP_{it} + \beta_4 \Delta T_{it} + \delta \Delta PS_{it} + \lambda \Delta EF_{it} + \Delta \varepsilon_{it}$$

$$i = 1, \dots, 14 \text{ or } 16 ; t = 1, \dots, 15$$

در معادله (۲) تمام متغیرهایی (همانند تأثیرات ثابت کشوری) که در طی زمان ثابت هستند، از معادله حذف می‌شوند.

در معادله فوق $\Delta \ln Y_{it}$ متغیر وابسته است که بیانگر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه کشور i در دوره t است.

$\Delta \ln Y_{i,t-1}$ متغیر وابسته است که با یک دوره تأخیر در معادله وارد شده است، به عبارت دیگر این متغیر بیانگر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه دوره قبل است. I_{it} متغیر سرمایه‌گذاری کشور i در دوره t ، SSE_{it} نرخ ثبت‌نام دبیرستانی، POP_{it} رشد جمعیت، T_{it} تجارت کالاها و خدمات، PS_{it} بیانگر شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت، EF_{it} بیانگر شاخص کل آزادی اقتصادی است که از میانگین ۵ شاخص آزادی اقتصادی به دست آمده است، که این ۵ شاخص عبارتند از: SG_{it} شاخص اندازه دولت، LS_{it} شاخص ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت، SM_{it} شاخص دسترسی به نقدینگی، FT_{it} شاخص آزادی تجارت خارجی و REG_{it} شاخص قوانین مالی، بازار کار و تجارت است. همچنین v_i ، μ_t و ε_{it} به ترتیب نشان‌دهنده اثرات کشورها، اثرات زمان و جزء خطا است که در معادله (۲) متغیرهایی (همانند تأثیرات ثابت کشوری) که در طی زمان ثابت هستند، از مدل حذف شده‌اند.

۵- تجزیه و تحلیل نتایج تخمین

شایان ذکر است، به دلیل آنکه این مطالعه یک پژوهش بین کشوری است، به منظور آزمون فرضیات و بررسی اثر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی از نرم‌افزار Stata 11 و تکنیک‌های اقتصادسنجی پانل دیتا که مقاطع و دوره‌های زمانی را با یکدیگر ترکیب می‌کند، استفاده می‌گردد.

جهت ارزیابی و برآورد معادله ابتدا پولینگ یا پانل دیتا بودن داده‌های آماری مورد آزمون قرار گرفته است. برای درستی استفاده از روش پانل دیتا از آزمون F لیمر با درجه آزادی (N-K) استفاده شد؛ آماره F نیز به صورت رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

$$(3)$$

$$F_{(N-1, NT-N-K)} = \frac{(R_{UR}^2 - R_R^2)/(N-1)}{(1 - R_{UR}^2)/(NT - N - K)}$$

در آزمون بالا R_R^2 ضریب تعیین حاصل از مدل مقید (روش حداقل مربعات معمولی OLS) و R_{UR}^2 ضریب تعیین حاصل از مدل نامقید (روش پانل دیتا) است. در رابطه مذکور K : تعداد متغیرهای توضیحی لحاظ شده در مدل، N : تعداد مقاطع و T : دوره زمانی است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۳) ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، آماره F برآورد شده برای هر دو دسته از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه بیشتر از مقدار بحرانی آن است، لذا فرضیه صفر مبنی بر قابلیت تخمین مدل به صورت داده‌های تلفیقی پذیرفته نمی‌شود و لازم است معادله به روش داده‌های پانل برآورد شود.

برای برآورد الگو به روش پانل دیتا دو روش اثرات ثابت (اثرات مقاطع و کشورها با متغیرهای توضیحی همبستگی دارند) و روش اثرات تصادفی (اثرات مقاطع با متغیرهای توضیحی همبستگی ندارند) وجود دارد. نتایج آزمون هاسمن در جدول (۴) در خصوص برآوردهای این مطالعه بیانگر روش اثرات تصادفی در کشورهای در حال توسعه و روش اثرات ثابت در کشورهای توسعه‌یافته است.



اصلی تخمین تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در ستون (۱) ارائه شده است و ستون (۲) تا (۶) نتایج برآورد تأثیر هر یک از زیرشاخص‌های آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد.

جدول (۳): نتایج آزمون همگنی (F لیمر)

جامعه آماری	آماره	مقدار بحرانی	۱	۲	۳	۴	۵	۶
در حال توسعه	F-Statistic [Prob]	۱/۷۶	۲/۳ [۰/۰۰]	۲/۲۶ [۰/۰۱]	۲/۳۸ [۰/۰۰]	۱/۹۱ [۰/۰۳]	۲/۱۳ [۰/۰۱]	۲/۴۲ [۰/۰۰]
توسعه‌یافته	F-Statistic [Prob]	۱/۷۰	۶/۳۲ [۰/۰۰]	۶/۴۱ [۰/۰۰]	۵/۵۴ [۰/۰۰]	۶/۳۳ [۰/۰۰]	۴/۳۶ [۰/۰۰]	۶/۲۵ [۰/۰۰]

اعداد داخل کروشه بیانگر احتمال هستند.

مأخذ: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار **stata11**

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

جامعه آماری	آماره	۱	۲	۳	۴	۵	۶
در حال توسعه	Hausman Test: Chi-squared[Prob]	۹/۲۴ [۰/۱۶]	۸/۳۲ [۰/۲۱]	۱۲/۱۶ [۰/۵۸]	۷/۳۲ [۰/۲۹]	۹/۲۱ [۰/۰۶]	۱۰/۵۵ [۰/۰۱]
توسعه‌یافته	Hausman Test: Chi-squared[Prob]	۸۵/۲۴ [۰/۰۰]	۸۷/۱۷ [۰/۰۰]	۸۴/۳۵ [۰/۰۰]	۸۵/۴۱ [۰/۰۰]	۶۴/۰۳ [۰/۰۰]	۸۴/۱۳ [۰/۰۰]

اعداد داخل کروشه بیانگر احتمال هستند.

مأخذ: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار **stata11**

کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است، لذا انتظار می‌رود چشم‌انداز آتی اقتصاد جهانی و کشورهای دنیا برای دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات بر ایجاد آرامش و ثبات سیاسی و اصلاحات سیاسی استوار باشد. بنابراین بخشی از تفاوت‌های سطوح درآمد بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه ناشی از تفاوت در سطح شاخص ثبات سیاسی است. شایان ذکر است نتایج مطالعه حاضر نتایج مطالعات آیسن و ویگا (۲۰۱۱)، قریشی و همکاران (۲۰۱۰)، جونگ-ا-پین (۲۰۰۶)، آستریو و پرایس (۲۰۰۱)، گیمه و تراینر (۱۹۹۹)، بارو (۱۹۹۶) و جعفری‌صمیمی و همکاران (۱۳۸۶) را تأیید می‌کند.

بر اساس نتایج حاصل از تخمین در جداول (۵) و (۶)، شاخص آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه دارد و از آنجا که ضریب شاخص کل آزادی اقتصادی در گروه کشورهای توسعه‌یافته بیش از گروه کشورهای در حال توسعه است، می‌توان بیان داشت بهبود آزادی اقتصادی سبب ترغیب انواع سرمایه‌گذاری-

در جداول (۵) و (۶) نتایج حاصل از برآورد تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی به روش **GMM** پانل دیتای پویا برای گروه کشورهای منتخب در حال توسعه و گروه کشورهای منتخب توسعه‌یافته نشان داده شده است. نتایج

بر اساس نتایج اثر شاخص ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی در هر دو گروه مورد بررسی مثبت و به طور کامل معنی‌دار است. به تعبیری دیگر، با بهبود شاخص ثبات سیاسی، رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه افزایش می‌یابد. زیرا در صورت فقدان ثبات سیاسی در کشورها، فعالین اقتصادی انگیزه خود را برای انجام فعالیت‌های تولیدی به ویژه فعالیت‌های نوآورانه که متکی بر عوامل جدید تولید است، از دست می‌دهند، چرا که امکان استفاده مطلوب از نیروی انسانی و گسترش بازار مؤلفه‌های نوین تولید کاهش یافته و در نتیجه رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. در حالی که ثبات سیاسی در کشورها و فقدان هرگونه آشوب، نزاع‌های داخلی، ترور، کودتا و پدیده‌های مانند آن موجب ترغیب فعالین اقتصادی و شهروندان در محیطی آرام و امن به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی، افزایش قدرت رقابت‌پذیری و چانه‌زنی در عرصه نظام بین‌المللی ناشی از کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها و در نهایت دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات می‌گردد. از آنجا که ضریب این متغیر در گروه

مورد بررسی تغییر (افزایش) دهد. بنابراین نقش دولت در ارائه و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی موجب می‌شود تا هزینه‌های مبادلاتی به ویژه حمل و نقل محصولات به بازارهای فروش و یا هزینه دسترسی به بازار عوامل جدید تولید برای بنگاه‌های اقتصادی به شدت کاهش یابد و همچنین ممکن است فعالیت‌های مبتکرانه و نوآورانه کارآفرینان و سرمایه‌گذاران رشد یابد و شاهد استفاده از فن‌آوری‌های نوین و پیشرفته و کارایی در تولید و رشد بهره‌وری کل عوامل و رشد اقتصادی مستمر و باثبات خواهیم بود. لذا در کشورهای در حال توسعه دولت‌ها باید سیاست بخش عمومی خود را در جهت تأمین زیرساخت‌های فیزیکی تولید کالاها و خدمات و بسترسازی جهت بسط بازار عوامل جدید تولید به گونه‌ای به کار گیرند که بتوانند زمینه‌ی استفاده بهتر از عوامل تولید و فعالیت‌های تولیدی را به منظور کاهش هزینه‌های تولید، افزایش کارایی و قدرت رقابت تولید در اقتصاد، افزایش فرصت‌های شغلی پایدار و بهبود توزیع درآمد و در نتیجه رشد اقتصادی مستمر و باثبات فراهم آورند. نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۸۶) مطابقت دارد.

همان‌طور که از ستون ۳ در جداول (۵) و (۶) مشاهده می‌شود و مطابق با مطالعه‌ی رزمی و همکاران (۱۳۸۸)، آیسن و ویگا (۲۰۱۱) و کارلسون و لانداستروم (۲۰۰۲) است، ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و معنی‌داری آن در گروه کشورهای در حال توسعه مورد بررسی در سطح ۱۰٪ و در گروه کشورهای توسعه‌یافته مورد بررسی در سطح ۱٪ تأیید می‌گردد. همچنین بالا بودن ضریب این متغیر در کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه، شدت تأثیر این شاخص بر رشد اقتصادی را در کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد. دستگاه قضایی عادل همواره تلاش می‌کند تا با ایجاد، نگهداری و تقویت قوانین و مقررات مناسب، از حقوق مالکیت فیزیکی و فکری افراد حقیقی و حقوقی حمایت و پاسداری کند. از آنجا که امروزه دانش و فناوری‌های نوین، اختراع و ابداع نقش مهمی در فرآیند تولید جوامع به ویژه کشورهای توسعه‌یافته دارد، پاسداری و حمایت از حقوق مالکیت فکری و حق

ها، انباشت مهارت‌ها و همچنین انتقال فن‌آوری و استفاده کارا از سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش قدرت رقابت‌پذیری و در نتیجه موجب تحقق رشد اقتصادی مستمر و باثبات خواهد شد. لذا به نظر می‌رسد بخشی دیگر از تفاوت درآمد و شکاف عملکرد اقتصادی در بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را بتوان به وسیله تفاوت در سطح آزادی اقتصادی توجیه نمود. زیرا بهبود شاخص کل آزادی اقتصادی از کانال توسعه‌ی تجارت خارجی و رفع موانع مربوط به آن، وضع قوانین و نهادها در راستای تقویت بسترهای تولیدی، توسعه‌ی بخش خصوصی و حذف انحصار دولتی و رقابتی کردن بازار و همچنین اقتدار و کارآمدی نظام قضایی، تدوین سیاست‌های پولی منسجم و سیستم پولی کارآمد و حمایت از حقوق مالکیت، به طور بالقوه سودآوری مورد انتظار انواع سرمایه‌گذاری را افزایش داده و باعث پیشرفت فعالیت‌های مولد می‌گردد. نتایج تخمین ضریب متغیر آزادی اقتصادی با نتایج مطالعه آیسن و ویگا (۲۰۱۱)، رزمی و همکاران (۱۳۸۸)، نادری و شربت‌اوغلی (۱۳۸۶)، شهنازی (۱۳۸۴)، جعفری صمیمی و آذرمنند (۱۳۸۴)، کافمن و همکاران (۲۰۰۵) و کارلسون و لانداستروم (۲۰۰۲) سازگاری دارد.

بر اساس ستون ۲ در جداول (۵) و (۶)، اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مثبت و در سطح ۱۰٪ معنی‌دار بوده، اما این اثر در کشورهای توسعه‌یافته اگر چه مثبت است اما معنی‌دار نیست، به عبارتی اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته اثر معنی‌داری نداشته است. زیرا در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل آن‌که یک سطح مناسب از زیرساخت‌های فیزیکی فراهم شده است، بنابراین به نظر می‌رسد اثرگذاری این شاخص بر رشد اقتصادی به یک نقطه مطلوب رسیده است. در حالی که در کشورهای در حال توسعه، به نظر می‌رسد کمبود سرمایه‌گذاری‌های دولت در فراهم نمودن کالاهای عمومی و زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز تولید همچون جاده‌ها، خطوط ریلی، بنادر، سدها و امنیت داخلی و مرزها و غیره و عدم استفاده مطلوب از ظرفیت‌های خالی فرآیند تولید منجر به آن شده است که تغییرات (افزایش) در شاخص اندازه دولت، رشد اقتصادی را در گروه کشورهای در حال توسعه



ایجاد جذابیت، تشویق و هدایت سرمایه‌گذاران به سوی اینگونه فعالیت‌ها موفق عمل نموده‌اند. همچنین می‌توان بیان داشت بخشی از تفاوت‌های درآمد در بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته ناشی از تفاوت در سطح توجه به شاخص ساختار قضایی و تفاوت در پاسداری از حقوق مالکیت افراد در بین کشورها و کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری فیزیکی و نوآورانه است.

ثابت اختراع در این کشورها باعث شده است تا سرمایه‌گذاران بخش خصوصی بدون هیچ نگرانی وارد سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نوآورانه، مبتکرانه و تحقیق و توسعه شوند و با اینکه این فعالیت‌ها دارای هزینه‌های ثابت اولیه و هزینه‌های جاری بالا و همچنین ریسک بالا ناشی از عدم دستیابی به هدف پروژه‌ها است، اما نهادهای تأمین قضایی و بایستگی ضمانت اجرای قراردادهای بین شهروندان و همچنین نهاد کیفیت مقررات جهت

جدول (۵): نتایج تخمین کشورهای در حال توسعه طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶ به روش GMM

(متغیر وابسته: رشد تولید ناخالص داخلی (سرانه))

نام متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
متغیر وابسته با وقفه	۰/۰۷۸** [۱/۲۱]	۰/۱۵* [۱/۹۲]	۰/۲۳*** [۲/۶۵]	۰/۲۶*** [۲/۸۹]	۰/۰۸** [۱/۴۲]	۰/۱۱* [۱/۹]
سرمایه‌گذاری	۰/۲۹*** [۴/۳۸]	۰/۴۵*** [۴/۹۵]	۰/۲۲** [۲/۵۲]	۰/۲۳*** [۲/۷۶]	۰/۲۹*** [۴/۶۶]	۰/۳۳*** [۴/۶۲]
نرخ ثبت نام دبیرستانی	۰/۰۵۴* [۱/۹۶]	۰/۰۸* [۱/۸۱]	۰/۰۵ [۱/۶۱]	۰/۰۶* [۱/۶۵]	۰/۰۰۲ [۰/۰۸]	۰/۰۶** [۱/۹۷]
رشد جمعیت	-۱/۳۵*** [-۶/۷]	-۱/۳۵*** [-۵/۴۳]	-۱/۲*** [-۴/۶۳]	-۱/۱۶*** [-۴/۵۲]	-۱/۳*** [-۶/۵۴]	-۱/۳۲*** [-۶/۲۵]
تجارت کالاها و خدمات	۰/۰۱ [۰/۷۱]	۰/۰۲ [۰/۹۵]	۰/۰۳* [۱/۷۵]	۰/۰۳ [۱/۴۷]	-	۰/۰۲ [۱/۲]
ثبات سیاسی و فقدان خشونت	۲/۲۷*** [۳/۱۸]	۲/۱۴** [۲/۱]	۳/۰*** [۲/۹۸]	۳/۴۲*** [۳/۵۸]	۲/۳۴*** [۳/۴۲]	۳/۴۷*** [۵/۰۹]
آزادی اقتصادی	۲/۱۸*** [۴/۴۲]	-	-	-	-	-
(۱) اندازه دولت	-	۱/۱۷* [۱/۷۷]	-	-	-	-
(۲) ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت	-	-	۱/۰۸* [۱/۸۲]	-	-	-
(۳) پول سالم	-	-	-	۰/۵۳ [۱/۶۴]	-	-
(۴) آزادی تجارت خارجی	-	-	-	-	۲/۷*** [۶/۹۲]	-
(۵) قوانین مالی، بازار کار و تجارت	-	-	-	-	-	۱/۱۴*** [۲/۸۷]
آماره سازگان	۱۷/۱۱ (۱/۰۰)	۵/۱۰ (۱/۰۰)	۱۲/۱۱ (۰/۹۹)	۰/۱۱ (۰/۹۹)	۷/۱۱ (۱/۰۰)	۴/۱۱ (۱/۰۰)
تعداد مشاهدات	۱۹۶	۱۶۸	۱۹۶	۱۹۶	۱۹۶	۱۹۶
تعداد کشورها	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴

اعداد داخل کروشه مقدار آماره t-statistic و اعداد داخل پرانتز، احتمال یا Prob را نشان می‌دهند.

ضریب برآورد شده که دارای نشانه‌های **، * و * هستند به ترتیب با سطوح معناداری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ مرتبط است.

مأخذ: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار stata11.

جدول (۶): نتایج تخمین کشورهای توسعه یافته طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶ به روش GMM

(متغیر وابسته: رشد تولید ناخالص داخلی (سرانه))

نام متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
متغیر وابسته با وقفه	۰/۵*** [۶/۷۹]	۰/۳۷*** [۳/۸]	۰/۴۵*** [۵/۰۱]	۰/۶۳*** [۷/۴۳]	۰/۳۸*** [۴/۷۱]	۰/۵۹*** [۵/۴۷]
سرمایه‌گذاری	۰/۵*** [۸/۵۲]	۰/۶۴*** [۷/۶۵]	۰/۶*** [۹/۳۸]	۰/۵۶*** [۸/۵۶]	۰/۸۳*** [۱۱/۵۱]	۰/۶۶*** [۸/۳۹]
نرخ ثبت نام دبیرستانی	۰/۰۶*** [۴/۸۷]	۰/۰۵*** [۲/۸۲]	۰/۰۷*** [۵/۱۱]	۰/۰۷*** [۴/۹۷]	۰/۰۸*** [۵/۱۷]	۰/۱۲*** [۶/۰۱]
رشد جمعیت	-۴/۴۴*** [-۹/۲۹]	-۴/۵۶*** [-۶/۶۷]	-۲/۶۵*** [-۵/۳]	-۳/۷۳*** [-۷/۳۳]	-۳/۹۵*** [-۱۰/۲۹]	-۴/۱۷*** [-۶/۰۴]
نام متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
تجارت کالاها و خدمات	۰/۰۳*** [۳/۱۹]	۰/۰۴* [۱/۶۶]	۰/۰۵*** [۴/۰۷]	۰/۰۳** [۲/۲۳]	-	۰/۰۲* [۱/۹۶]
ثبات سیاسی و فقدان خشونت	۳/۸۲*** [۳/۰۸]	۵/۱*** [۵/۳۶]	۱/۷۴** [۲/۲]	۲/۴۶*** [۳/۷۶]	۲/۸۴*** [۳/۹۸]	۳/۴۳*** [۴/۰۰]
آزادی اقتصادی	۵۸۵*** [۹/۲۳]	-	-	-	-	-
اندازه دولت (۱)	-	۰/۰۴ [۰/۱۴]	-	-	-	-
ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت (۲)	-	-	۲/۰۳*** [۶/۰۱]	-	-	-
پول سالم (۳)	-	-	-	۰/۹۶** [۲/۵]	-	-
آزادی تجارت خارجی (۴)	-	-	-	-	۲/۲۹*** [۷/۷۲]	-
قوانین مالی، بازار کار و تجارت (۵)	-	-	-	-	-	۰/۵۷* [۱/۷۶]
آماره سازگان	۸/۱۳ (۱/۰۰)	۲۴/۱۳ (۱/۰۰)	۶۰/۱۱ (۱/۰۰)	۸۳/۱۳ (۱/۰۰)	۰۳/۱۲ (۱/۰۰)	۸۴/۱۲ (۰/۹۵)
تعداد مشاهدات	۲۲۴	۱۹۲	۲۰۸	۲۲۴	۲۲۴	۲۰۸
تعداد کشورها	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶

اعداد داخل کروشه مقدار آماره t-statistic و اعداد داخل پرانتز، احتمال یا Prob را نشان می‌دهند.

ضریب برآورد شده که دارای نشانه‌های ***، ** و * هستند به ترتیب با سطوح معناداری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ مرتبط است.

 مأخذ: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار **stata11**

پول داخلی و ایجاد تورم می‌گردد. نرخ‌های بالای تورم، قیمت‌های نسبی را منحرف می‌نماید، شرایط اساسی قراردادهای بلندمدت را تغییر می‌دهد و برنامه‌ریزی معقول افراد و مشاغل را برای آینده، عملاً غیرممکن می‌سازد، در نتیجه تورم از طریق کاهش قدرت خرید و کاهش تراز واقعی پول مردم، کاهش مقدار واقعی اعتبارات بانکی

بر اساس ستون ۴ در جداول (۵) و (۶)، اثر پول سالم بر سطح رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، مثبت و در سطح ۵٪ معنی‌دار است، اما در مورد کشورهای در حال توسعه این اثر اگرچه مثبت است ولی معنی‌دار نیست. فقدان پول سالم و نرخ بالای رشد پول در اکثر کشورهای در حال توسعه همواره منجر به کاهش ارزش



طریق توسعه تکنیک‌های جدید تولید یا استفاده کارا از عوامل می‌گردد. همچنین آزادسازی تجاری منجر به انتخاب وسیع‌تری در مورد کیفیت بالای نهاده‌های واسطه-ای با قیمت‌های پایین‌تر برای فعالیت‌های اقتصادی گردیده است.

بر اساس ستون ۶ در جداول (۵) و (۶)، اثر قوانین و ضوابط مالی، بازار کار و تجارت بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه منتخب مثبت و در سطح ۱٪ معنی‌دار است و این اثر در کشورهای توسعه‌یافته مثبت و در سطح ۱۰٪ معنی‌دار است. همچنین ضریب تأثیر قوانین مالی، بازار کار و تجارت بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است، که این امر بیانگر اثرگذاری بیشتر این شاخص بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. قوانین و مقررات پیچیده و دست و پاگیر در مسیر راه‌اندازی یک کسب و کار به اشکالی مانند مجوزها و موافقت‌نامه‌های دولتی دست و پاگیر، قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه‌های خصوصی چون قانون کار، محدودیت‌های تجاری، بار مالیاتی بالا، هزینه‌های اولیه پروژه‌ها را افزایش می‌دهد، که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بزرگ باشد، فعالین اقتصادی ممکن است نسبت به ادامه فعالیت، انگیزه خود را از دست بدهند. حال هرچه تصمیم‌ها و مقرراتی که توسط دولت‌ها اعمال و اجرا می‌شود، عادلانه و جامع وضع شود به ثبات اقتصاد کلان، بهبود فضای کسب و کار، افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید، گسترش کاربرد فناوری‌های نوین متکی به دانش بومی و جذب فناوری‌های وارداتی، افزایش قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی در عرصه رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی و بهبود افزایش سهم رشد بهره‌وری کل عوامل در رشد تولید داخلی منجر می‌گردد، و نهایتاً منجر به دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات می‌شود. نتایج ضریب تخمینی مطالعه حاضر منطبق با مطالعات رزمی و همکاران (۱۳۸۸) است.

یافته‌های حاصل از برآورد تأثیر سرمایه‌گذاری بر رشد

بخش‌های تولیدی جامعه، و نیز خروج سرمایه‌های مالی به خارج، از بین رفتن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، تحریک فرار سرمایه از بخش‌های مولد به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی، افت پس‌انداز، افت ارزش سهام و... باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. دسترسی به نقدینگی سالم که از کاهش تورم و نقدینگی و افزایش قابلیت مالکیت پول خارجی نشأت می‌گیرد، انگیزه افراد در سرمایه‌گذاری در داخل کشور را افزایش می‌دهد و از این مجرا باعث رشد و توسعه اقتصادی جوامع می‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته ثبات و کیفیت بالای پول سالم و نرخ تورم پایین و باثبات در بلندمدت و همچنین وجود سیاست‌ها و قوانین مناسب ارزی و پولی، موجب افزایش رشد اقتصادی در این گروه از کشورها شده است، درحالی‌که در کشورهای در حال توسعه نرخ تورم در بلندمدت به دلیل بی‌ثباتی ساختارهای اقتصادی دائماً در حال نوسان است، این امر منجر به بی‌معنایی آماری تأثیر پول سالم بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه شده است. نتایج تخمین ضریب متغیر پول سالم با یافته‌های شهنازی (۱۳۸۴) مطابقت دارد.

بر اساس ستون ۵ در جداول (۵) و (۶)، و مطابق با مطالعه‌ی رزمی و همکاران (۱۳۸۸) و کارلسون و لاندستروم (۲۰۰۲)، تأثیر آزادی تجارت خارجی بر رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته مثبت و کاملاً معنی‌دار است. ضریب تأثیر این شاخص بر رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه تقریباً برابر است. آزادی تجارت خارجی در واقع بیانگر کاهش مالیات و تعرفه‌های گمرکی و کاهش تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار سیاه است به طوری که با کاهش تعرفه‌ها و سهمیه‌های گمرکی، وجود ادارات گمرکی با کارایی بالا، تبدیل سهل و آسان ارز به پول رایج و کنترل‌های بسیار محدود سرمایه، جذب سرمایه و انگیزه سرمایه‌گذاری در داخل کشور افزایش می‌یابد و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی ارتقاء می‌یابد. همچنین آزادسازی تجاری موجب ایجاد فضای رقابتی برای صنایع داخلی از

اقتصادی در ستون (۱) در جداول (۵) و (۶)، بیانگر آنست که اثر سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مورد بررسی مثبت و از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار است. به طور کلی سرمایه‌گذاری، استفاده از کالاهای سرمایه‌ای را بسط داده و در نتیجه تجهیزات جدید، به همراه جذب نیروی کار بیشتر، کارایی و بازده تولید را افزایش می‌دهد، از طرفی دیگر سرمایه‌گذاری با افزایش بهره‌وری عوامل تولید، گسترش محدوده بازار، تعادل عرضه و تقاضا، ایجاد اثرات جانبی، ایجاد شرایط رقابتی بهتر و همچنین افزایش سطح رفاه باعث افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌شود. نتیجه‌ی پژوهش حاضر، منطبق با نتایج مطالعه آسن و ویگا (۲۰۱۱) است.

یافته‌های حاصل از برآورد تأثیر نرخ ثبت نام دبیرستانی بر رشد اقتصادی در ستون (۱) در جداول (۵) و (۶)، بیانگر آنست که نرخ ثبت نام دبیرستانی اثر مثبت و کاملاً معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته مورد مطالعه داشته است، همچنین این اثر برای کشورهای در حال توسعه مورد بررسی مثبت و در سطح ۱۰٪ معنی‌دار است. آموزش موجب افزایش مشارکت در فرایندهای اجتماعی، افزایش مردم‌سالاری، بهبود تعاملات اجتماعی، افزایش سرمایه انسانی و نیروی متخصص، تولید دانش، تفکر و فناوری در جامعه، رشد و افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید، بهبود رقابت‌پذیری در سطح ملی و بین‌المللی، رشد اقتصادی مستمر و باثبات، بهبود استانداردهای زندگی و نهایتاً تسریع توسعه می‌گردد. بر این اساس به نظر می‌رسد تأکید بر مؤلفه‌های دانش‌محور همچون سرمایه انسانی می‌تواند پیامدهای مثبتی در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته منتخب و بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید این کشورها بر جای گذارد. به عبارتی بهتر اهداف نظام آموزش در مدارس متوسطه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه استحکام‌بخشی به مهارت‌های آموزشی، توسعه دانش افراد، اجتماعی‌شدن و شکوفایی شخصیت و هدایت تحصیلی

افراد به سوی ادامه تحصیلات آکادمیک و یا هدایت به اشتغال در بازار کار است. لذا با پایان یافتن دوره‌های آموزشی متوسطه فرد می‌تواند ادامه تحصیل دهد یا به صورت یک نیروی کار ساده و غیرماهر بازار اشتغال را برگزیند. از این رو توسعه و رشد نیروی انسانی از کانال آموزش متوسطه در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌تواند زمینه مناسب برای رشد اقتصادی را فراهم نماید و در نتیجه باعث رشد اقتصادی گردد.

بر اساس ستون (۱) در جداول (۵) و (۶) و مطابق مطالعه آسن و ویگا (۲۰۱۱)، اثر نرخ رشد جمعیت بر رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته منفی و از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار است و ضریب این متغیر در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از کشورهای در حال توسعه است. در حالی که طبق مطالعات تجربی در قالب رشد اقتصادی درون‌زا، رشد اقتصادی رابطه مثبت با رشد جمعیت دارد و اگر از رشد جمعیت در مسیر صحیح استفاده گردد باعث افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌گردد. اما در خصوص اینکه چرا رشد جمعیت رابطه منفی با رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه دارد می‌توان گفت مشکل کشورهای در حال توسعه در نوع استفاده از سرمایه انسانی است و چون سیاست‌های کلان اقتصادی این جوامع ناهماهنگ با سیاست‌های آموزشی و پژوهشی است لذا شاهد تأثیر منفی رشد جمعیت بر رشد اقتصادی هستیم. لذا، کشورهای در حال توسعه منتخب باید با اتخاذ سیاست‌های همسوی سیاست‌های آموزشی و پژوهشی با نیازهای حال حاضر در فعالیت‌های دانش‌محور، جمعیت را در تولید و عرضه نوآوری‌های جدید به خدمت گیرند و رشد جمعیت را به سوی فعالیت‌های نوآورانه و دانش‌بنیان سوق دهند و منجر به افزایش رشد اقتصادی گردند. در مورد کشورهای توسعه‌یافته مورد بررسی، به دلیل اینکه اکثر زنان به همراه مردان به فعالیت‌های تولیدی می‌پردازند، تعداد فرزندان زیاد موجب می‌گردد عده قابل توجهی از جمعیت بالغ وقت خود را صرف



است) به صورت مستقیم و از مجاری متعدد موجب رشد بهره‌وری کل عوامل، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، کاهش سطوح قیمت‌ها از جمله قیمت عوامل تولید و کاهش هزینه متوسط تولید کالاها و خدمات در بازار و افزایش میزان سودآوری محصولات در واحدهای تولیدی خواهد شد (شاه‌آبادی، ۱۳۸۴: ۴۲-۱۹).

در تخمین مدل برای بررسی معتبر بودن ماتریس ابزارها از آزمون سارگان استفاده شده است. در این آزمون، فرضیه صفر حاکی از عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلاص است. بر اساس جداول (۵) و (۶)، مقدار احتمال آماره آزمون سارگان در هر دو گروه کشور مورد مطالعه در هر ۶ حالت تخمینی، بزرگتر از مقدار ۰/۰۵ است. نتیجه اینکه فرضیه صفر مبنی بر عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلاص را نمی‌توان رد کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت ابزارهای مورد استفاده برای تخمین مدل در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه‌یافته از اعتبار لازم برخوردار بوده‌اند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

رشد اقتصادی مستمر و باثبات یکی از اهداف نهایی هر نظام اقتصادی است که دستیابی به آن مستلزم بسط پایه‌های رشد و درونی شدن آن از طریق سازوکارهایی نظیر انباشت سرمایه، توسعه سرمایه انسانی، ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید و... است. آمارهای موجود حاکی از اختلاف فراوان کشورهای جهان در رشد اقتصادی، درآمد سرانه و سطح رفاه اقتصادی و روند افزایشی این نابرابری است. مطابق ادبیات اقتصاد سیاسی، ساختار اقتصادی و سیاسی یک کشور رابطه تنگاتنگ و درعین حال پیچیده‌ای با یکدیگر دارد. به طوری که ساختار سیاسی کشور به‌عنوان سیستم هدایت‌گر مدیریت اقتصادی کشور که منعکس‌کننده تفکرات اقتصادی آن سیستم سیاسی است، شناخته می‌شود. از این حیث هرگونه اختلال در نهاد مدیریتی یک کشور (دولت) با عنوان بی-

بزرگ کردن آن‌ها کنند، در نتیجه فعالیت‌های تولیدی خارج از خانه، به خصوص نزد زنان شدیداً کاهش می‌یابد، که این امر موجب افزایش هزینه فرصت رشد جمعیت و فرزندآوری می‌گردد و می‌تواند از کانال کاهش منافع شخصی و اجتماعی باعث کاهش رشد اقتصادی گردد.

بر اساس نتایج ستون (۱) در جداول (۵) و (۶)، و مطابق با مطالعه آیسن و ویگا (۲۰۱۱)، اثر تجارت کالا و خدمات بر رشد اقتصادی هر دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه منتخب، مثبت است، اما این تأثیر تنها برای کشورهای توسعه‌یافته کاملاً معنی‌دار است. در کشورهای توسعه‌یافته، تجارت کالاها و خدمات، رقابت بین بنگاه‌های داخلی و خارجی را افزایش داده و با افزایش کیفیت و کارایی تولیدات، توان رقابت‌پذیری تولیدات را بالا برده و با بهبود فناوری‌های تولیدی باعث کاهش هزینه‌های تولید می‌شود و در نتیجه رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. در حالی که در بیشتر کشورهای در حال توسعه، صادرات کالاها و خدمات فاقد تنوع است؛ از سوی دیگر مشکل کشورهای در حال توسعه وجود شکاف فناوری با کشورهای توسعه‌یافته است که تا این مشکل از درون اقتصاد حل نشود، به نظر نمی‌رسد تجارت بتواند موجب تحول و افزایش رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه شود.

همچنین، بر اساس جدول (۵) ضریب متغیر وابسته با وقفه در کشورهای در حال توسعه در سطح ۰/۵٪ معنی‌دار است و ضریب این متغیر حدود ۰/۰۷ است، این بدان معناست که در کشورهای در حال توسعه، رشد اقتصادی دوره قبل ۰/۰۷ درصد رشد اقتصادی دوره بعد را افزایش می‌دهد. و بر اساس جدول (۶) ضریب متغیر وابسته با وقفه در کشورهای توسعه‌یافته در سطح یک درصد معنی‌دار است.

در مجموع بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر به نظر می‌رسد بهبود شاخص ثبات سیاسی و شاخص کل آزادی اقتصادی (که نتیجه ارتقاء در شاخص‌های آزادی اقتصادی

ثباتی سیاسی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند منجر به بی‌ثباتی اقتصادی شده و حرکت طبیعی اقتصاد را دچار اختلال نماید که در نتیجه رشد اقتصادی کشور را به عنوان مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصادی کندتر می‌نماید. همچنین آزادی اقتصادی تأثیرات شگرفی بر رشد اقتصادی دارد. در این راستا با استفاده از داده‌های پانل پویا، اثر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶ مورد بررسی و تحلیل تجربی قرار گرفته است. بر اساس نتایج، ثبات سیاسی تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی هر دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه داشته است.

همچنین نتایج نشان می‌دهد ارتقاء شاخص کلی آزادی اقتصادی موجب بهبود رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌گردد و می‌تواند باعث افزایش تأثیر سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی شود. شایان ذکر است از بین زیرشاخص‌های آزادی اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته به جز اثر اندازه دولت که مثبت و بی‌معناست، تأثیر چهار زیرشاخص ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم، آزادی تجارت خارجی و قوانین و ضوابط مثبت و معنی‌دار است. در حالی که در کشورهای در حال توسعه به جز شاخص پول سالم که اثر مثبت و بی‌معنا بر رشد اقتصادی دارد، بقیه زیرشاخص‌های آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه دارد، که از بین این شاخص‌ها به ترتیب شاخص آزادی تجارت خارجی، اندازه دولت و قوانین مالی، بازار کار و تجارت، بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی این گروه از کشورها دارا است. همچنین بر اساس نتایج تخمین، سرمایه‌گذاری و نرخ ثبت‌نام دبیرستانی با رشد اقتصادی رابطه مستقیم و کاملاً معنی‌دار در هر دو گروه کشورهای مورد بررسی توسعه‌یافته و در حال توسعه دارد. ضریب متغیر تجارت کالا و خدمات بر رشد اقتصادی هر دو گروه جامعه آماری مورد مطالعه مثبت است و این متغیر تنها در کشورهای

توسعه‌یافته معنی‌دار است. بنابراین بر اساس نتایج تخمین به این نتیجه می‌رسیم ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی در کل یکی از عوامل مهم اختلاف درآمد سرانه و رشد اقتصادی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بوده و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بالایی برخوردار باشد و در جهت ارتقاء شاخص‌های آزادی اقتصادی بکوشد، منجر به بهبود انگیزه‌های کسب‌وکار در جامعه، استفاده از ظرفیت‌های تولیدی کشور، افزایش توان رقابتی، رشد سهم بهره‌وری کل عوامل در تولید ناخالص داخلی و سرانجام دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات خواهد شد.

بر اساس نتایج تخمین و در راستای افزایش رشد اقتصادی مستمر و باثبات توصیه‌های زیر برای سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه ارائه می‌گردد:

- تأکید بر ایجاد فضای سیاسی باثبات در جامعه و توجه بیشتر به آراء و نظرات اقلیت‌های سیاسی، قومی و مذهبی که زمینه بروز هرگونه آشوب، اعتراض، اغتشاش، کودتا، تروریسم و حتی جنگ داخلی که ریسک سقوط و نابودی دولت را افزایش می‌دهد، برطرف سازد.

- تمرکز بر اثربخشی دولت در انجام وظایف محول شده همچون تأمین و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی و زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز در فرآیند تولید همچون جاده‌ها، خطوط ریلی، سدها، آموزش همگانی، تأمین بهداشت شهروندان، تسهیل و انتقال فناوری و غیره محیط اقتصادی را برای فعالان اقتصادی مناسب نموده و از طریق کاهش هزینه‌های مبادلاتی برای بنگاه‌ها، موجب افزایش توان رقابتی اقتصاد و بهبود بهره‌وری عوامل تولید خواهد شد.

- تأکید بر نهاد تأمین قضایی و ایجاد، حفظ و تقویت دادگاه‌ها و قضات عادل و بانصاف به منظور حمایت از حقوق دارایی‌های فیزیکی و فکری و ضمانت اجرای قراردادهای در جامعه.

- کشورهای در حال توسعه در راستای دسترسی به پول سالم جهت برقراری ثبات اقتصادی و ایجاد اطمینان خاطر برای فعالین اقتصادی، باید سیاست‌هایی را دنبال کنند و



- ایجاد قوانین و مقررات با کیفیت و شفاف، به طوری که این تنظیم‌گری و سیاست‌گذاری اقتصادی در جهت رفع نقایص و کاستی‌های مکانیسم بازار باشد.

- حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، تلاش جهت دستیابی به بازار مطلوب سرمایه، ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی، فضای مطلوب کسب و کار، جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه به سیاست‌گذاران اقتصادی توصیه می‌شود.

حرکت هدفمند به سوی تقلیل موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بر سر راه تجارت کالاها و خدمات به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی کشور توصیه می‌شود تا محدودیت‌های تجاری ملایم‌تری نسبت به واردات کالاها با فناوری بالا، سرمایه‌ای و واسطه‌ای اعمال نمایند؛ همچنان‌که نباید از توسعه صادرات غیر منابع طبیعی غافل شوند.

نهادهایی را اتخاذ نمایند که نرخ تورم پایین و باثبات بوجود آورند و همچنین از تصویب مقرراتی که از استفاده از ارزهای جایگزین ممانعت به عمل می‌آورد، دوری نمایند.

- آزادسازی تجاری در صورتی که همراه با تولید محصولات دانش‌محور و با فناوری بالا انجام گیرد، می‌تواند توان رقابتی کشورها را افزایش دهد. برای تحقق این امر سه عامل اصلی پیشنهاد می‌شود، اولاً سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای در حال توسعه باید علاوه بر توجه به فعالیت‌های نوآورانه اجرای سیاست‌های آزادسازی تجاری را جدی بگیرند و واقعاً تحقق آن‌ها را خواستار شوند. ثانیاً یک برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت وجود داشته باشد. ثالثاً دستگاه‌های دولتی کشورهای در حال توسعه که در امر صادرات و واردات دخیل هستند، همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته باشند.

منابع

سامتی، مرتضی؛ صامتی، مجید و شهنازی، روح‌اله (۱۳۸۵)، "تأثیر آزادی اقتصادی بر درآمد سرانه و رشد اقتصادی"، *پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی*، شماره ۲۰، ۸۲-۶۰.

شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، "منابع رشد اقتصاد ایران"، *نامه مفید*، شماره ۴۸، ۴۲-۱۹.

شهنازی، روح‌اله (۱۳۸۴)، "تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه"، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

کاتبی، محمود (۱۳۷۶)، "فرهنگ، ثبات سیاسی و توسعه ایران در فرآیند نوسازی و توسعه"، *مجله فرهنگ*، دوره ۲۲ و ۲۳، ۱۰۰-۷۹.

مؤسسه‌ی تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲)، "ارزیابی اقتصاد ایران با رویکرد شاخص آزادی اقتصادی"، تهران.

مبارک، اصغر و آذرپیوند، زیبا (۱۳۸۸)، "نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب و تأثیر آن بر رشد

جانسون، بریان؛ هولمز، کیم و پاتریک، ملانی کرک (۱۳۷۹)، "شاخص آزادی اقتصادی سال ۱۹۹۹"، ترجمه محمدابراهیم امین، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۴۸، ۱۳۴-۱۰۵.

جعفری صمیمی، احمد و آذرمنند، حمید (۱۳۸۴)، "بررسی رابطه بین آزادسازی اقتصادی و عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای جهان (۲۰۰۱-۱۹۸۰)"، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، سال نهم، شماره ۳۷، ۶۱-۴۱.

جعفری صمیمی، احمد؛ بابازاده، محمد و اکبریان‌مهر، زهرا (۱۳۸۶)، "بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا"، *فصلنامه علوم اقتصادی*، سال اول، شماره ۱، ۷۷-۵۵.

رزمی، علی‌اکبر؛ رزمی، محمدجواد و شهرکی، سارا (۱۳۸۸)، "تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد نهادگرا"، *مجله دانش و توسعه*، شماره ۲۸، ۱۵۵-۱۲۸.



پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۰، ۹۲-۷۳.

میدری، احمد (۱۳۷۴)، "بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی"، فصلنامه راهبرد، شماره ۶، ۱۷۷-۱۶۳.

نادری، مرتضی و شربت‌اوغلی، احمد (۱۳۸۶)، "بررسی نظری و تجربی تأثیر شرایط آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورها"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۳۲، ۲۹-۱.

نجارزاده، رضا و رحیم‌زاده، فرزاد (۱۳۹۱)، "سنجش اثر اینترنت بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب: رهیافت همجمعی پانل"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره ۹، ۹۸-۸۵.

Aisen, A. & Veiga, F. (2011), "How Does Political Instability Affect Economic Growth?", IMF Working Paper, No. 11/12, 1-28.

Asteriou, D. & Price, S. (2001), "Political Instability and Economic Growth: UK Time Series Evidence", *Scottish Journal of Political Economy*, 48(4), 244-249.

Barro, R. J. (1996), "Democracy and Growth", *Journal of Economic Growth*, 1(1), 1-27.

Carlson, F. & Lundstrom, S. (2002), "Economic Freedom and Growth: Decomposing the Effects", *Department of Economics, Goteborg University, Working Paper in Economics*, 112 (3-4), 335-344.

Fosu, A. K. (2001), "Political Instability and Economic Growth in Developing Economies: Some Specification Empirics", *Economics Letters, Elsevier*, 70(2), 289-294.

Gupta, D. K., Madhavan, M. C. & Blee, A. (1998), "Democracy, Economic Growth and Political Instability: An integrated perspective", *Journal of Socio-Economics*, 27(5), 587-611.

Gyimah-Brempong, K. & Traynor, T. (1999), "Political Instability, Investment and Economic Growth in Sub-Saharan Africa", *Journal of African Economies*, 8(1), 52-86.

[http://data.worldbank.org/data-catalog/world-](http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators)

اقتصادی"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۳۶، ۲۰۴-۱۸۰.

متفکر آزاد، محمدعلی؛ اسدزاده، احمد؛ امینی‌خوزانی، محسن و شیرکش، محمود (۱۳۹۲)، "تحلیل اثرات همزمان آزادی اقتصادی، توسعه انسانی و آزادی سیاسی در کشورهای منتخب اسلامی (۲۰۱۰-۲۰۰۱)"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۹۶-۷۹.

منصف، عبدالعلی، ترکی، لیلا و علوی، جابر (۱۳۹۲)، "تحلیل اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه D-8: علیت گرنجر پانلی با رویکرد بوت استرپ (۲۰۱۰-۱۹۹۰)"، فصلنامه علمی پژوهشی

development-indicators

[http://www.fraserinstitute.org/programs initiatives/economic-freedom.aspx](http://www.fraserinstitute.org/programs/initiatives/economic-freedom.aspx)

[https:// www.Govindicators.org/](https://www.Govindicators.org/)

<https://pwt.sas.upenn.edu/>

Jong-A-Pin, R. (2006), "On the Measurement of Political Instability and its Impact on Economic Growth", *European Journal of Political Economy*, 25(1), 15-29.

Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2005), "Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004", *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 3630. Washington, D.C., 1-133.

Lucas, R. E. (1988), "On the Mechanics of Economic Development", *Journal of Monetary Economics*, 22(1), 3-42.

North, D. C. (1990), "A Transactions Cost Theory of Politics", *Journal of Theoretical Politics*, 2(4), 355-367.

Qureshi, M. N., Karamat, A. & Rafi Khan, I. (2010), "Political Instability and Economic Development: Pakistan Time-Series Analysis", *International Research Journal of Finance and Economics*, 56(1), 179 -192.

Romer, P. M. (1986), "Increasing Returns and Long Run Growth", *Journal of Political Economy*, 94(5), 1002-1037.



Scully, G. (2002), "Economic Freedom, Government Policy and the Trade-Off between Equity and Economic Growth", *Public Choice*, 113(1-2), 77-96.

Solow. R. M. (1956), "A Contribution to Theory of Economic Growth", *Quarterly Journal of Economics*, 70(1), 65-94.